

سیر تحولات ادبیات تطبیقی در اردن (از پژوهش‌های سنتی تا نقد فرهنگی تطبیقی)

تورج زینی‌وند^{1*}، روژین نادری²

1. دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی

2. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی

دریافت: 1397/3/14

پذیرش: 1398/5/12

چکیده

اگرچه تاریخچه ادبیات تطبیقی در کشور اردن همگام و همپای دیگر کشورهای عربی از جمله مصر نبوده است، این کشور نمونه دیگری از رشد ادبیات تطبیقی در جهان عرب را عرضه می‌کند. تطبیق‌گران اردنی نخست تأثیر و تأثر آثار پیشین ادبیات عربی و سایر ملل به‌ویژه غرب را بررسی می‌کردند؛ لذا پژوهش‌های دوره نخست بیشتر بر محور ادبیات سنتی و پیشین و به‌طور خاص شعر می‌چرخید. با ظهور مدرنیسم، پژوهش‌های تطبیقی در اردن نیز وارد مرحله جدیدی شد. تطبیق‌گران درصدد کشف میزان اثرپذیری ادیبان عرب‌زبان از تحولات ادبیات جهانی و جنبش‌های آزادی‌بخش غرب برآمدند. توجه به سایر شاخه‌های ادبیات در کنار شعر، داستان و نمایش‌نامه از ویژگی‌های پژوهش‌های تطبیقی این دوره است. با رشد ملی‌گرایی و پان‌عربیسم و همچنین نقد روش‌ها و نظریات کشورهای سابقاً استعمارگر جهان، تطبیق‌گر اردنی دریافت که پافشاری‌های نخ‌نماشده برای ردیابی خاستگاه اثر ادبی، دیگر مطلوب و شایسته ادبیات تطبیقی نیست. از این رو پژوهش‌های تطبیقی پسامدرنیسم به عرصه مطالعات تطبیقی اردن گام نهاد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا ضمن بیان تاریخ تحول ادبیات تطبیقی در اردن، به دوره پژوهش‌های تطبیقی آثار سنتی (المقارنات التراثية)، پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد (مقارنات أدب الحداثة) و پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد (المقارنات الثقافية وما بعد الحداثة) بپردازد و تحولات این دانش را در این کشور عربی بررسی و تحلیل کند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، اردن، پژوهش‌های سنتی، مدرنیسم و پسامدرنیسم، نقد فرهنگی.

E-mail: t_zinivand56@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:



1. مقدمه

با اینکه تحقیقات در حوزه ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی چشمگیر است (حضور فرانسوی‌ها در کشورهای عربی و ارتباط عرب‌ها با کشورهای غربی موجب رشد این رشته در جهان عرب شده)، فهم دقیق و واقعی ادبیات تطبیقی در این کشور به دلایل متعددی با کندی همراه بوده است. همین درد برخی از تطبیق‌گران عرب‌زبان را به فریاد آورده است که چرا ادیبان عرب به جای ادبیات تطبیقی به تطبیق تأثیر و تأثر پرداخته‌اند. با همه کندی‌های مذکور، سنگ بنای حوزه ادب تطبیقی را روحی الخالدی و محمد غنیمی هلال بنا نهادند. بنابه اسناد تاریخی، تدریس ادبیات تطبیقی در مصر در سال 1938م در دانشکده دارالعلوم قاهره شروع شد. پس از بازگشت غنیمی هلال از سوربن به مصر، به طور رسمی در سال 1945م ادبیات تطبیقی توسط متخصصان تدریس شد. دانشگاه لبنان در سال 1962م، دانشگاه بصره در سال 1972م و دانشگاه کویت در سال 1975م با حضور نازک ملائکه و دانشگاه یرموک اردن در سال 1976م با حضور یوسف بکار این رشته را تأسیس کردند. در میان عرب‌ها، مصری‌ها نخستین توجهات را به ادبیات تطبیقی نشان دادند و بیشتر کتاب‌های مرتبط با حوزه ادبیات تطبیقی را تألیف یا ترجمه کردند.

اردن از جمله کشورهای عرب‌زبانی است که فعالیت‌های حوزه ادبیات تطبیقی در آن سابقه‌مند است. با اینکه دانش ادبیات تطبیقی در این کشور همگام با سایر کشورهای جهان عرب همچون مصر نشو و نما نیافته و آثار پژوهشگران اردنی در این حوزه ادبی چندان شناخته شده نیست، معرفی این آثار به جهان ادبیات به عزم و نیروی مدرسان این رشته در دانشگاه‌های اردن وابسته است. افزون بر این، پژوهش‌های تطبیقی شاهد تحولات مهمی در اردن بوده است. ادبیات تطبیقی در اردن، از ابتدای ظهورش، گام‌های بلندی برداشته است. این رشته که در آغاز صرفاً به دنبال کشف تأثیرات یا یافتن شباهت‌ها بود، اکنون حوزه‌ای برای تجلیل و ستایش تفاوت‌ها شده است. تطبیق‌گران اردنی ابتدا تحت تأثیر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و تأکید آن بر روابط واقعی¹ آثار ادبی بودند و فقط به روابط و تأثیراتی توجه می‌کردند که بتوان از لحاظ تاریخی آن‌ها را اثبات کرد. ایشان به بررسی تأثیر و تأثر آثار پیشین ادبیات

عربی و سایر ملل به‌ویژه غرب می‌پرداختند؛ از این رو پژوهش‌های دوره نخست بر محور ادبیات سنتی و پیشین و به‌طور خاص شعر می‌چرخید. احسان عباس، ابراهیم ملحم، خلیل الشیخ و زیاد الزعبی در این دوره آثار ارزنده‌ای بر جای نهادند. با ظهور مدرنیسم، پژوهش‌های تطبیقی در اردن نیز وارد مرحله جدیدی شد. تطبیق‌گران درصدد کشف میزان اثرپذیری ادیب عرب‌زبان از تحولات ادبیات جهانی و جنبش‌های آزادی‌بخش غرب در آثار وی برآمدند. توجه به سایر شاخه‌های ادبیات در کنار شعر، داستان و نمایش‌نامه از ویژگی‌های پژوهش‌های تطبیقی این دوره بوده است. محمد شاهین، بسام ربابعة و علی الشرع از پژوهشگران دوره دوم تحولات پژوهش‌های تطبیقی در اردن هستند. با رشد ملی‌گرایی و پان‌عربیسم و همچنین نقد روش‌ها و نظریات کشورهای سابقاً استعمارگر جهان، تطبیق‌گران اردنی دریافتند که پافشاری‌های نخ‌نما شده برای ردیابی خاستگاه اثر ادبی دیگر مطلوب و مقصود ادبیات تطبیقی نیست. از این رو پژوهش‌های تطبیقی پسامدرنیسم به عرصه مطالعات تطبیقی اردن گام نهادند. عزالدین المناصره، محمد شاهین و فخری صالح پژوهشگران برجسته این مرحله هستند. بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت خط‌مشی پژوهش‌های تطبیقی در اردن را بر سه محور اساسی می‌توان دسته‌بندی کرد:

1. پژوهش‌های تطبیقی آثار کلاسیک و سنتی (المقارنات التراثية)؛
2. پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد (مقارنات أدب الحداثة)؛
3. پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد (المقارنات الثقافية وما بعد الحداثة).

تبیین این سه دوره هدف پژوهش حاضر است. نگارندگان ضمن بررسی سبک سنتی، مدرنیسم و پسامدرنیسم در پژوهش‌های تطبیقی اردن، به معرفی تطبیق‌گران این کشور - که غالباً ناشناخته هستند - و بررسی آثار آن‌ها پرداخته‌اند تا مسیر پژوهشگران و تطبیق‌گران را به سمت بازنگری مکاتب تطبیقی، نقدی و ادبی و همچنین آثار هنری و چالش‌های زیرساختی آن‌ها جهت دهند. نکته شایان ذکر آن است که برخی از پژوهشگران از کشورهای مختلف از جمله فلسطین و اردن آمده و در این کشور رحل اقامت گزیده و به نشر آثاری در حوزه



ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند؛ این افراد هرچند متولد اردن نیستند، از آنجایی که ساکن این کشور بوده و در دانشگاه‌های آن سرزمین تدریس کرده و با تألیفات خود در تحولات پژوهش‌های تطبیقی اردن مؤثر افتاده‌اند، لذا در جستار حاضر از آن‌ها و آثارشان نیز یاد شده است.

1.1. پیشینه پژوهش

درباره ادبیات تطبیقی و تحولات آن در جهان عرب، پژوهش‌هایی انجام شده است که در ادامه به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود. سعید علوش در بخش دوم کتاب *مدارس الأدب المقارن؛ دراسة ومنهجية* (1987) روشی تحلیلی - نقدی را درپیش گرفته و وضعیت تطبیق‌گران عربی و تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های عربی را بررسی کرده است. معرفی آثار تطبیقی مطرح در جهان عرب، شرح و تفسیر آرای منتقدانی که این آثار را نقد کرده‌اند و ادامه سیر کار آن‌ها از امتیازات کتاب علوش محسوب می‌شود؛ زیرا همواره «بررسی اهمیت و عدم اهمیت یک منتقد یا نظریه در بافتی ملی یا بین‌المللی از خدمات دیگر تطبیق‌گران به تاریخ نقد است» (پراور، 1391: 149). *الأدب المقارن، تألیف یوسف بکار و خلیل الشیخ* (1996) ضمن بررسی تحولات ادبیات تطبیقی در فرانسه، امریکا و اروپای شرقی، ادبیات تطبیقی در جهان عرب و به‌طور خاص مصر و فلسطین را واکاوی کرده است. عبده عبود در بخش دوم کتاب *الأدب المقارن مشکلات وآفاق* (1999) با روشی تحلیلی - نقدی آثار تطبیقی برجسته تطبیق‌گران جهان عرب را تبیین کرده است. حسام الخطیب در کتاب *آفاق الأدب المقارن عربیاً وعالمیاً* (1999) دیدگاه‌های طیف وسیعی از تطبیق‌گران جهان عرب تا دهه نود را تحلیل و نقد کرده است. عباس عبدالحلیم عباس در *تحولات الدرس الأدبی المقارن: عزالدین المناصرة نموذجاً* (2012) ضمن تشریح تحولات پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در جهان عرب، آرای عزالدین المناصرة، یکی از تطبیق‌گران اردنی در حوزه ادبیات تطبیقی، را بررسی و تبیین کرده است. فریال جبوری غزول در مقاله «ادبیات تطبیقی در جهان عرب» (ترجمه فارسی از سحر غفاری در 1393) نگاهی جامع به ظهور ادبیات تطبیقی در جهان عرب و سیر تحولات آن در کشورهای عربی دارد. ناهید حجازی در مقاله «پیدایش و رشد ادبیات تطبیقی در مصر و برخی

کشورهای عربی» (1390) شرایط و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی پیدایش ادبیات تطبیقی در مصر، روند تحولات آن و وضعیت فعلی ادبیات تطبیقی در این کشور را مورد بررسی قرار داده است.

2. بحث و بررسی

2-1. پژوهش‌های تطبیقی آثار کلاسیک و سنتی (المقارنات التراثية)

تطبیق‌گران اردنی، همچون سایر تطبیق‌گران جهان عرب، در ابتدا در پژوهش‌های خود از دستاوردهای تطبیق‌گران غرب تقلید می‌کردند و پایبند مکتب قدیمی و پوزیتیویسم فرانسه بودند و در واقع ادبیات تطبیقی همواره درسی املاشده از غرب بود و اساس تحلیل و بررسی، صرفاً تاریخ ادبیات، مکاتب و سنت ادبی غرب به‌شمار می‌آمد. این امر سبب شد پژوهشگران پا را از مکتب فرانسه فراتر نگذارند. در چرایی چنین برداشت و پژوهش‌هایی می‌توان گفت شتاب‌زدگی و تخصص نداشتن مؤلفان در این حوزه از پژوهش‌های ادبی از علل اصلی این امر است که موجب آسان دانستن مطالعه ادبیات تطبیقی در نگاه پژوهشگران اردنی شده است. «همین نگاه ساده و بدون تأمل به اصطلاح ادبیات تطبیقی است که سبب گشته تعداد کتاب‌های نظری تألیف‌شده در جهان عرب از تعداد کتاب‌های نظری تألیف‌شده در این زمینه در کشورهای دیگر بیشتر باشد» (اصطیف، 2007: 24). بدین ترتیب، طولی نکشید که پژوهشگرانی به عرصه پژوهش‌های تطبیقی گام نهادند که تحت تأثیر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به بررسی روابط تاریخی آثار ادب عربی با آثار ادبی سایر ملل پرداختند.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد عزالدین المناصره (1946-)، شاعر و ناقد فلسطینی تبار و ساکن اردن، با عنوان بیگمالیون توفیق الحکیم و برناردو شو³ (1969) نمونه بارز این نوع پژوهش است. مناصره در این پژوهش به اثرپذیری نمایش‌نامه‌نویس عرب‌زبان یعنی توفیق الحکیم از نویسنده ایرلندی جرج برنارد شو⁴ پرداخته است. بیگمالیون شو از نمایش‌نامه‌هایی است که اهمیت زیادی یافته و این امر معطوف به دور بودن مضمون این نمایش‌نامه از مشکلات اجتماعی و سیاسی و تمرکز آن بر بُعد انسانی است:



شاو در این نمایش‌نامه به حل مشکل اختلاف طبقاتی جامعه پرداخته است. از طرف دیگر، توفیق الحکیم که تحصیل‌کرده اروپا و متأثر از آرای فلسفی غرب بود، توانست با الهام از نمایش‌نامه بیگمالیون شاو، نمایش‌نامه‌ای با همین عنوان - بیگمالیون - بنویسد. موضوع اصلی نمایش‌نامه بیگمالیون حکیم به مشکل هنرمند و تفکیک بین هنر و زندگی مربوط می‌شود (المنصره، 2005: 537).⁵

منصره همچنین با نگارش رساله دکتری خود با عنوان تأثیر متقابل؛ شعر بلغاری (مطالعه موردی: نیکولا واپتساروف) و شعر معاصر فلسطینی⁶ (1981) به حضور تاریخی فرهنگ بلغاری در آثار و منابع ادب عربی اشاره می‌کند:

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روزنامه‌های عربی به ذکر اخبار و وقایع سیاسی و نظامی بلغارستان پرداختند. [...] از اواسط دهه پنجاه، ترجمه آثار ادبی بلغاری به زبان عربی شروع شد. فؤاد الخشن⁷ در دیوانی با عنوان *الديوان البلغاري*، گزیده‌هایی از اشعار بلغاری را به زبان عربی گرد آورد. [...] سوریه بیشترین اهتمام را در ترجمه ادبیات بلغاری داشته و ادیبان لبنانی بیشترین توجه را به نیکولا واپتساروف⁸ داشته‌اند (همان، 548).

«تأثیر ویلیام فاکنر بر رمان نجمة کاتب یاسین»⁹ و «تأثیر ویلیام فاکنر بر رمان ما تبقی لکم غسان کنفانی»¹⁰ (1984) از دیگر پژوهش‌های سنتی تطبیقی منصره است که به بررسی اثرپذیری کاتب یاسین و غسان کنفانی، دو نویسنده عرب‌زبان، از رمان خشم و هیاهو¹¹ نوشته ویلیام فاکنر¹² پرداخته است.¹³

منصره همچنین در فصل هفتم کتاب *نقد فرهنگی تطبیقی*¹⁴ (2005)، مقاله‌ای با عنوان «متن و دیگری؛ موشحات اندلس و شعر تروبادور»¹⁵ را ذکر کرده است. تاریخچه موشحه و شعر تروبادور¹⁶، بررسی اجزا، دیدگاه ناقدان و ادیبان و بررسی شباهت‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها از جمله مباحثی است که منصره به آن‌ها پرداخته است.

از دیگر تطبیق‌گران می‌توان به یوسف بکار (1942-)، ادیب و فارسی‌پژوه اردنی اشاره کرد. وی در سال 1972م از دانشگاه قاهره در رشته زبان و ادبیات عربی دانش‌نامه دکتری گرفت. از

سال 1970 تا 1978م در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس زبان و ادبیات عربی پرداخت. سپس در گروه ادبیات عربی دانشگاه یرموک تدریس کرد. بکار در معرفی خیام به عرب‌زبانان تلاش‌های بسیاری کرده است. وی تاکنون پانزده عنوان کتاب و مقاله درباره ترجمه‌های عربی رباعیات خیام و افکار خیامی نوشته است. این پژوهشگر برجسته در زمینه نقد ادبی، ادبیات تطبیقی و مباحث ادبی نیز آثار فراوانی دارد. بکار به پیشنهاد و همراهی غلامحسین یوسفی، در سال‌های پیش از انقلاب، بنیان‌گذار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد بوده است و از طرف دولت اردن در آن سال‌ها به مدت هشت سال به این دانشگاه اعزام شد، به تدریس زبان و ادبیات عرب پرداخت، همان‌جا نیز فارسی را آموخت و با ادبیات ایران آشنا شد (نادری، 1393: 86). از پژوهش‌های تطبیقی وی عبارت‌اند از: «شاعران ایرانی در ادب عربی»،¹⁷ «زبان و ادبیات فارسی در سرزمین‌های عربی»،¹⁸ «اوهامی در نوشته‌های عرب درباره خیام»،¹⁹ «عمر خیام و رباعیات او در آثار پژوهندگان عرب»،²⁰ «جلال‌الدین رومی در آثار دانشمندان و محققین عرب»²¹ و «رباعیات خیام در ضیافت شعر عربی».²²

نقد و تحلیل همه پژوهش‌های تطبیقی بکار مجالی فراخ می‌طلبد؛ از این رو نگارندگان یکی از آثار او یعنی رباعیات خیام در ضیافت شعر عربی را بررسی کرده‌اند. یکی از اهداف نویسنده در اثر نام‌برده نشان دادن اشتیاق تعداد زیادی از پژوهشگران و شاعران و مترجمان عرب به رباعیات خیام است که آن‌ها را واداشته سال‌ها به تحقیق و تفحص و ترجمه این سروده‌ها بپردازند. هدف دیگر نویسنده گشودن باب نقد و تحلیل و تفسیر فنی و ادبی درباره ترجمه‌هاست که پژوهشگران فارسی را نیز مفید می‌افتد و از جمله مباحث بلاغی به‌شمار می‌آید. از دیگر ویژگی‌های کتاب گنج‌نیدن شرح احوال، آثار و افکار مترجمان در آغاز هر بخش است که در ادب معاصر عرب نقش مهمی ایفا کرده و نام و آوازه خیام شاعر دانشمند و حکیم فرزانه مسلمان ایرانی را در سرزمین‌های خود زنده نگه داشته است. آوردن متن انگلیسی برخی از رباعیات که غالباً از شاعر و مترجم انگلیسی، فیتزجرالد²³ است و اشاره به کوشش‌های برخی دیگر از شرق‌شناسان از امتیازات دیگر این کتاب است.



شمار مترجمانی که رباعیات را به‌نظم کشیده‌اند، 52 نفر است. دو نفر از این مترجمان، یعنی مصطفی وهبی التل²⁴ و الزهاوی²⁵، هریک دو ترجمه دارند و ابوشادی²⁶ نیز منظومه‌ای دارد و ترجمه‌ای. نکته مهم این است که همگی این افراد از اطراف و اکناف میهن عربی برخاسته‌اند؛ از مصر، عراق، لبنان، اردن، سوریه، فلسطین، بحرین، عربستان سعودی و مراکش. از نظر فنی، 33 ترجمه و منظومه به شعر است و فقط یکی از آن‌ها به شعر جدید (آزاد). پانزده ترجمه به نثر است و هفت منظومه و ترجمه محلی و عامیانه است؛ سه عراقی، سه مصری و یک لبنانی.

ملاحیح یونانیة فی الأدب العربیة نوشته احسان عباس²⁷ (1977) از دیگر پژوهش‌های تطبیقی سنتی است. مؤلف در این اثر به بررسی آثار ادبی آن روزگار و کشف روابط تاریخی آثار عربی با ادبیات سایر ملت‌ها، به‌ویژه یونانی‌ها، و ردیابی خاستگاه اثر ادبی پرداخته است. در این کتاب، پژوهش‌های تطبیقی آن روزگار همچون بررسی تطبیقی اشعار متنبی، حکمت‌های افلاطون و ارسطو، افسانه‌های ایرانی، هندی و یونانی و همچنین اثرپذیری ابن‌رشد²⁸ و بیرونی²⁹ از آثار یونانی و هندی ذکر شده است (ر.ک: عباس، 1993: 30-32). زیاد صالح الزعبی (1955-) نویسنده و استاد دانشگاه یرموک اردن است. وی در مقاله «تأثیر ادب عربی در اشعار غنایی و عاشقانه آلمانی»³⁰ تبادلات فرهنگی میان تمدن اسلامی و اروپای قرون‌وسطای آن روزگار از جمله اثرپذیری آلمانی‌ها از شعر تغزلی عرب‌های اندلس را تحلیل کرده است:

شاعران تروبادورسرای فرانسوی نخستین افرادی بودند که در اروپا به شعر غنایی روی آوردند و البته از تقلید موشحات و زجلیات عرب‌های اندلس پا فراتر نگذاشتند. [...] تأثیر فرهنگی عرب اندلس بر تحولات شعر غنایی، سایر سرزمین‌های اروپا را نیز تحت‌الشعاع قرار داد؛ تا آنجا که شعر آلمان را نیز تحت تأثیر قرار داد (الزعبی، 2001: 39 و 61).

خلیل الشیخ (1954-) نویسنده و استاد دانشگاه یرموک اردن است و به زبان آلمانی تسلط دارد؛ از این رو آثار آلمانی بسیاری را به زبان عربی ترجمه کرده است؛ از جمله

پساآرمان‌شهرها³¹ نوشته هلموت بتیگر،³² برادران سیاه³³ اثر هانس بندر³⁴ و روزمرگی‌ها³⁵ اثر فرانتس کافکا.³⁶ از آثار تطبیقی او کتابی است با عنوان ادبیات تطبیقی که با همکاری یوسف بکار نوشته است. آن‌ها در این کتاب مکتب فرانسوی، امریکایی و اروپای شرقی ادبیات تطبیقی و تاریخچه ادبیات تطبیقی در جهان عرب و وضعیت کنونی این شاخه ادبی در دانشگاه‌های عربی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. البته فصل‌های پایانی کتاب شامل بررسی تأثیر و تأثر آثار عربی و غربی، از جمله اثرپذیری حکایت‌های لافونتن از کلیله و دمنه‌ی عبدالله‌بن المقفع و تأثیر نامه‌آمزش³⁷ ابوالعلا معری بر کمای الهی دانته است.

ابراهیم احمد ملحم (1964-) نویسنده اردنی و استاد دانشگاه امارات متحده عربی از دیگر پژوهشگران اردنی است که تأثیر و تأثر میان آثار عربی و غربی را مطرح نظر قرار داده است. از جمله آثار تطبیقی وی عشق در شعر شاعران تروبادور و تأثیر آن در غزل عصر اموی³⁸ (2000) و شعر شفاهی و تطبیق آن با شعر جاهلی؛ مطالعه موردی: تطبیق جیمز مونرو³⁹ (2000) است.

این پژوهش‌ها فهم سنتی تطبیقگران اردنی از ادبیات تطبیقی را می‌رساند. تطبیق در باور آن‌ها - همچون سایر تطبیقگرانی که متأثر از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی هستند - در چگونگی تأثیر دو ملت موضوعیت پیدا می‌کند؛ یعنی تطبیقگر به دنبال یافتن رشته‌های اتصال دو ملت و درک ریشه جریان‌های فکری و اثرگذار بر دو فرهنگ است.

2-2. پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد (مقارنات ادب الحدائث)

مدرنیسم شیوه‌های بیان هنری و ادبی غرب را دچار تغییر و تحول اساسی کرد و ادبیات عرب که متأثر از جریان‌ها و تحولات ادبی غرب بود، نیز تحت تأثیر قرار گرفت. گروهی از تطبیقگران اردنی نیز به بررسی این تأثیر و تأثرات و یافتن پاسخ این پرسش که ادیب عرب‌زبان تا چه اندازه توانسته روح تجدد را در شعر و نثر خویش منعکس کند، روی آورده‌اند.



خلیل الشیخ در مدارهای تطبیقی؛ مطالعات انتقادی در ارتباط میان خود و دیگری⁴⁰ (1998) به سیر تحولات نقد معاصر غرب و تأثیر آن در ادبیات جهان عرب و برخی تأثیر و تأثرات، از جمله بررسی تأثیر نقد اروپایی در آثار محمد حسین هیکل و تأثیر نمایش‌نامه‌های اروپایی در آثار ادیبان و هنرمندان جهان عرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نظر داشته است.

محمد شاهین (1985-) نویسنده، مترجم، استاد و سردبیر مجله *الثقافية* و مؤتة دانشگاه اردن است. وی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی را از دانشگاه کمبریج بریتانیا اخذ کرد و پس از بازگشت به اردن، به‌عنوان مدیر گروه و استاد زبان انگلیسی به تدریس زبان و ادبیات انگلیسی، ادبیات تطبیقی و ترجمه آثار ادبی مشغول شد. مهم‌ترین اثر ترجمه‌شده وی برگردان اشعار محمود درویش به زبان انگلیسی است. از آثار شاهین عبارت‌اند از: «عذرا پاوند و جریان نوگرایی در شعر معاصر»⁴¹ (1981)، «چگونه شعر معاصر عربی راهش را گم کرد؟»⁴² (1986) و *داستان کوتاه ادبیات مدرنیسم عربی؛ پاسخ‌های شهرزاد*⁴³ (1989) و از جمله آثار تطبیقی وی *الیوت و تأثیرش بر شعر معاصر عربی*⁴⁴ (1992)، «طیب صالح و جوزف کنراد؛ مطالعات ادبیات تطبیقی»⁴⁵ (1985) و «شب‌های عربی در ادبیات انگلیسی»⁴⁶ است.

بررسی مقایسه‌ای رمان موسم هجرت به شمال اثر طیب صالح و رمان *دل تاریکی* اثر جوزف کنراد از آثاری است که به اندیشهٔ پسااستعماری ادوارد سعید اشاره دارد. محمد شاهین کوشیده است با روشی مقایسه‌ای بازنمودهای استعمارگر و استعمارشده را بیابد. دو رمان بیانگر نوعی رابطهٔ سلطه و بردگی است که در آن فرادست برای فرودست تصمیم می‌گیرد و سرنوشت او را رقم می‌زند. کمااینکه این نگره در مقام گفتمانی استعماری، نوعی مکانیزم سرکوبگرانه است که استعمارگر از رهگذر آن، روند هویت‌زدایی از استعمارشده را اعمال می‌کند و هویت‌مندی او و در نتیجه امکان مقاومت را از او سلب می‌کند.

علی الشرع (1956-) دارای دکترای نقد و شعر معاصر از دانشگاه امریکا و مدرس دانشگاه اردن است. او سردبیر مجلات پژوهش‌های یرموک⁴⁷ دانشگاه یرموک (1998-2001)، *مطالعات اربد*⁴⁸ دانشگاه اربد (2007-2008) و *هنرها*⁴⁹ دانشگاه اردن (2009-2010) بود.

از جمله آثار وی ساختار قصیده کوتاه در شعر ادونیس⁵⁰ (1987)، زبان شعر معاصر عربی⁵¹ (1991) و دو پژوهش تطبیقی با عنوان اسطوره برومیثوس و شعر معاصر عربی⁵² (1993) و اروپا و شعر معاصر عربی⁵³ (1999) است.

ابراهیم خلیل (1948-) نویسنده و استاد دانشگاه اردن، و عضو هیئت فرهنگی و کمیته دانشگاهی از جمله انجمن همبستگی نویسندگان جهان عرب⁵⁴ است. داستان کوتاه در اردن و پژوهش‌های دیگر⁵⁵ (1994)، درآمدی بر داستان و رمان فلسطین⁵⁶ (1984)، پژوهشی در هنر داستان‌نویسی فخری قعوار⁵⁷ (1996)، محمد القیسی شاعر و متن⁵⁸ (1998) و شعر معاصر اردن⁵⁹ (1975) از جمله آثار ابراهیم خلیل است. خلیل در کتاب محمد القیسی شاعر و متن اثر پذیرای محمد القیسی⁶⁰ از اسطوره‌های یونانی همچون تروا⁶¹ و اولیس⁶²، کنعانی، فارسی و بابلی و واژگان اسپانیایی در آثارش را بررسی کرده است.

بسام علی احمد ربابعه (1968-) در اردن اردن چشم به جهان گشود. وی در سال 2004م با دفاع از رساله خود با عنوان خیام در ادبیات معاصر اردن با تکیه بر آثار شاعر بزرگ اردن؛ عرار، دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی استاد دانشگاه یرموک اردن است و در زمینه ادبیات معاصر فارسی، پژوهش‌های تطبیقی و ترجمه فعالیت داشته است. از پژوهش‌های وی عبارت‌اند از: «تأثیر اندیشه‌های خیام بر شاعر اردنی تیسیر سبول»، «بررسی و تحلیل داستان رستم و شغاد؛ براساس روایات ثعالبی و فردوسی»، «تحولات قصیده و پیدایش شعر نو در ادبیات عربی و فارسی»، «تلاش‌های عیسی الناعوری در قلمرو خیام‌شناسی»، «جلوه‌های شعر فارسی در آثار جواهری؛ بررسی تحلیلی - تطبیقی»⁶³ و «ترجمه و تبادل فرهنگی؛ خوانش‌هایی در فرهنگ زبان فارسی»⁶⁴.

تطبیق‌گران این دوره، همچون پژوهشگران پیشین، به علت تمکین از غنیمی هلال و اندیشه‌ها و آثار او در سیر همسویی با تحولات عصر (روی کار آمدن مکتب امریکایی و اروپای شرقی [سلافیه] ادبیات تطبیقی) ضعیف عمل کرده‌اند؛ لذا آثار این مؤلفان تقلید صرف از آثار پیشینیان و تمسک افراطی به مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است. بررسی آثار معاصر



ادیبان عرب و اثرپذیری/ اثرگذاری آن‌ها/ بر ادبیات سایر ملل، به‌ویژه ادبیات فارسی، از شاخص‌های پژوهش‌های تطبیقی این دوره است.

3-2. پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد (المقارنات الثقافية وما بعد الحداثة)

در طول دهه‌های گذشته، پسااستعمارگرایی در نظریه‌هایی همچون پسااستعمارگرایی، روان‌کاوی و فمینیسم جایگاه خود را به‌عنوان گفتمان انتقادی شاخص یافته است. ویژگی‌های اصلی میراث روشن‌فکرانه پسااستعماری را می‌توان در کتاب *شرق‌شناسی*⁶⁵ ادوارد سعید⁶⁶ (چاپ اول 1978) به تفصیل یافت. هدف سعید اثبات این نکته است که هرگونه فعالیت مستشرقان، اعم از پژوهش‌های تاریخی، هنری و حتی موسیقایی، ابزاری در دست استعمار و در خدمت امپریالیسم است. منتقدان فرهنگی - سیاسی جهان عرب، از جمله تطبیق‌گران اردنی، متأثر از آرای سعید دست به قلم بردند. عزالدین المناصره، فخری صالح و محمد شاهین از پژوهشگران برجسته اردنی هستند که به معرفی مکتب‌ها و جنبش‌های نقدی جدید پرداخته‌اند. آن‌ها فعالیت‌های غربیان را که در پس برخی از آثار هنری و ادبی و حتی برخی روزنامه‌ها و مجلات نمود می‌یابد، در سیستمی از بازنمایی‌ها تعریف می‌کنند که توسط چندین نیرو قوام یافته و شرق را به درون دانش و شناخت غربی و در نهایت پذیرش امپراتوری مقهور و مغلوب کرده است.

مناصره شرق‌شناسی و فعالیت‌های ادبی و هنری مدرنیته را فعالیتی بی‌طرفانه نمی‌داند و جنبه سیاسی و ایدئولوژیکی برای آن قائل است و البته آثار مستشرقان و اندیشمندان چپ‌گرا را زمینه‌سازی برای تبانی با امپریالیست‌ها می‌داند. مناصره با نگارش کتاب *تبادل فرهنگی و نقد تطبیقی*⁶⁷ (1988) بر غنای ادب تطبیقی در زبان عربی افزود. وی در این کتاب بیشتر به بحث‌های نظری با رویکرد ضدامپریالیستی روی آورده است. بخش اول این کتاب حاوی مکتب‌های ادبیات تطبیقی و تعاریف و اصول و ویژگی‌های آن‌هاست.

مناصره به جای اصطلاح ادب تطبیقی، موضوع *مناقفة* (دادوستد فرهنگی) را مطرح می‌کند و می‌گوید امروزه بیشتر به بحث ادبی تطبیقی از زاویه جهانی شدن و ادب و فرهنگ جهانی به مفهوم امپریالیستی آن می‌پردازند و از بحث *مناقفة* و تبادل فرهنگ، به منزله مباحث مقدماتی ادبیات تطبیقی، گریزان هستند (المناصره، 1988: 57). *مناقفة* از نظر او «تغییر فرهنگی» است که در نتیجه وقوع نوعی از ارتباط فرهنگ‌ها حاصل می‌شود. *مناقفة* ممکن است با قوت مورد قبول واقع شود و معنای اتصال و تبادل مثبت فرهنگی را دربرداشته باشد؛ ولی مشکل امروز را در احساس لذتی می‌داند که در تقلید وجود دارد: «مشکل تنها، تبعیت [از فرهنگ و پژوهش‌های کورکورانه نخبگان عرب‌زبان از غرب] به عنوان واقعیت عینی نیست؛ بلکه آنچه دردآور است، احساس لذت و خشنودی آن‌ها [فرهیختگان] از تقلید، دفاع از این الگوبرداری و تیرئه نمودن آن [از آماج انتقادات مخالفان] است» (المناصره، 2005: 44).

مناصره با استفاده از وضعیت ارتباط فرهنگی جهان عرب و غرب و با تکیه بر سخنان سعید درباره استشراق و به نقل از طیب صالح، قصه‌نویس معروف سودانی می‌نویسد: «ما باید در راهی که به روی فرهنگ‌های دیگر همچون چینی، ژاپنی و روسی بگشاییم و از اسارت اروپا آزاد شویم» (المناصره، 1988: 79).

مناصره کتاب *نقد فرهنگی تطبیقی؛ از منظرگاه گفتمان ساختارشنکنا*⁶⁸ را در سال 2005م تألیف کرد تا دامنه بحث را از نقد تطبیقی به سمت نقد فرهنگی تطبیقی بکشاند. مناصره موضوعاتی همچون متن و زیرساخت، تعدد زیرساخت‌های متعارض و امپریالیسم زبانی و فرهنگی را بررسی کرده است. او در این کتاب، بین کارکرد نقد فرهنگی و نقد فرهنگی تطبیقی تمیز قائل می‌شود. وی معتقد است: «نقد فرهنگی زیرساخت‌های سرکوب‌شده در داخل ادب یک قوم را بررسی می‌کند؛ درحالی که نقد فرهنگی تطبیقی به متن‌های فرهنگی در تعامل با متن‌های فرهنگی دیگر در جهان می‌پردازد» (المناصره، 2005: 313). افزون‌بر این، عزالدین المناصره ادبیات تطبیقی را نقد تطبیقی خوانده است. از نظر او، وقتی تغییرات دو متن را در قالب ادب بررسی می‌کنیم و به میزان اختلاف و اشتراک و نوع تأثیر ثانوی و به تعبیر ژان ماری کاره⁶⁹ به بررسی روابط روحی میان ملت‌ها و الهام‌های ادبی و کیفیت نویسندگان مختلف از



ادبیات‌های مختلف می‌پردازیم، در واقع به محدوده نقد ادبی قدم نهاده‌ایم. اینجاست که ادبیات تطبیقی رنگ نقد می‌گیرد و به همین دلیل صاحب‌نظرانی همچون مناصره آن را نقد تطبیقی نام نهاده‌اند.

فخری صالح (1957-) پژوهشگر، مترجم و نویسنده اردنی است. عمده فعالیت فخری صالح ترجمه آثار سعید درباره فرهنگ، امپریالیسم و شرق‌شناسی به زبان عربی و شرح و تفسیر آرای سعید و دفاع از او در برابر منتقدانش است که به نحوی ادامه‌دهنده سبک مناصره است. آثار او عبارت‌اند از: *اثرگذاری ادبیات سایر ملل بر شعر معاصر عربی*⁷⁰ (1995)، *تأثیر ریتسوس*⁷¹ در شعر معاصر عربی⁷² (1998)، *دفاع از ادوارد سعید*⁷³ (2000)، *ادوارد سعید؛ پژوهش و ترجمه‌ها*⁷⁴ (2009) و *ترجمه نقد و ایدئولوژی*⁷⁵ (1992) اثر تری ایگلتون. صالح در کتاب *ادوارد سعید؛ پژوهش و ترجمه‌ها* ضمن معرفی سعید، به شرح مفاهیم شرق‌شناسی و امپریالیسم و اثرپذیری سعید از فوکو پرداخته است. در مجموع صالح در مقام پژوهشگر ادبیات تطبیقی، بحث خود در خصوص روابط میان فرهنگ و قدرت در دوران استعماری و پسااستعماری را براساس متون ادبی قرار داده است. به نقل از سعید می‌گوید:

ویژگی شرق‌شناسی براساس این اعتقاد بنیان‌گذاری شده است که غرب بر شرق برتری دارد و به دلیل آنکه شرق ناتوان از شناخت خود است، شرق‌شناسی می‌خواهد به آنان کمک کند تا خود را بشناسند. به عبارتی شرق‌شناسی شرق را هم به شرقیان و هم به غربیان می‌شناساند. اما این شناخت موجب شکل‌گیری هژمونی و سلطه غرب بر شرق می‌شود و چون پتک، این شناخت بر سر شرق می‌نشیند و آن‌ها را مقهور خود می‌سازد (صالح، 2009: 124).

خلیل الشیخ در کتاب *پاریس در ادبیات معاصر عربی؛ پژوهشی درباره ماهیت رابطه مرکز و در حاشیه*⁷⁶ (1998) درباره جهانی شدن و تعامل فرهنگی کشورهای سرمایه‌داری (اروپای معاصر) به عنوان کشورهای فرادست و کشورهای جهان‌سومی (جهان عرب) به عنوان فرودست و در حاشیه سخن می‌گوید. روش و رویکرد الشیخ در این کتاب یافتن پیوندهای میان ادبیات و مسائل سیاسی و اجتماعی عصر است. به عقیده او، ایدئولوژی برساخته در جامعه طبقاتی به نفع

طبقه بالا عمل کرده و سبب به وجود آمدن جهان تک‌قطبی شده است؛ جهانی که در آن سیاست و قدرت محور قرار می‌گیرد و در حیطه فرهنگی نیز، تمدن برتر به شمار می‌آید. خاستگاه این‌گونه تفکر دو عامل ناهمسان است؛ یکی غربی است و یکی شرقی، یکی فرادست است و دیگری فرودست (الشیخ، 1998: 12).

محمد شاهین دیگر پژوهشگر اردنی است که تحلیل‌های ژرفی از دیدگاه‌های سعید، مسئله شرق‌شناسی و پسااستعمارگرایی، و آرای احسان عباس، درویش و جبران به دست داده است. ادوارد سعید: *رمانی برای نسل‌ها* 77 (2005)، *ادوارد سعید: مقاله‌ها و گفت‌وگوها* 78 (2005)، *ادوارد سعید: سفر در دنیای فرهنگ* 79 (2007) و *ای.ام. فورستر و سیاست امپریالیستی* 80 (2008) از جمله آثار شاهین است. شاهین در کتاب *ای.ام. فورستر و سیاست امپریالیستی* که به زبان انگلیسی نوشته و محمد عصفور به عربی بازگردانده است، بحث مرکز و درحاشیه را مطرح می‌کند و با بررسی رمان‌های ای.ام. فورستر⁸¹ (رمان‌نویس انگلیسی) به عنوان نهادهای ادبی که صورت فرهنگی برگرفته از حس درونی نویسنده است، بر امپریالیسم انگلیسی می‌تازد: فورستر یکی از رمان‌نویسان و منتقدان مشهور انگلیسی در قرن بیستم و به‌ویژه نیمه اول آن است. رمان‌هایش بازتابی از نگرش [فردی] انگلیسی به جامعه و سیاست‌های حکومتش در قبال کشورهای مستعمره است. این کتاب موضع سیاسی فورستر در برابر مستعمرات انگلیس در مشرق‌زمین را بررسی کرده که دال بر جبهه‌گیری منتقد انگلیسی علیه اروپامحوری، گسترش بی‌عدالتی، تحکیم قدرت و تسلط کشورهای مبدأ و احساس انزجار و تنفر او از گسترش بی‌عدالتی به کشورهای درحاشیه است (شاهین، 2008: 1).

در باور پژوهشگران دوران پساتجدد، تطبیق در حد وسیله است، نه هدف. آن‌ها معتقدند در این پژوهش‌های تطبیقی، چرایی روابط، تأثیرها و نفوذها باید مورد توجه قرار گیرد؛ برای مثال: نفوذ و شهرت ادبی نویسنده بزرگ در کشور دیگر چیست؟ افکار او چگونه تعبیر شده و به چه صورت نشر یافته است؟ آثار او چگونه ترجمه شده و ترجمه‌های متفاوت تا چه حد به امانت و اصالت نزدیک است؟ مجلات ادبی و جزوه‌های انتقادی چگونه این آثار را مورد تنقید



و توجه قرار داده و چه کسانی در شناساندن او مؤثر واقع شده‌اند و کدام کسان او را شناخته و تحت تأثیر وی قرار گرفته‌اند و حدود این تأثیر و نفوذ چه میزان است؟⁸² از میان همایش‌هایی که درباره ادبیات تطبیقی در اردن برگزار شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

پنجمین همایش بین‌المللی تعدد فرهنگی در زبان و ادبیات،⁸³ دانشگاه الزیتونه، 17/ 11/ 2015؛

همایش بلاغت در نقد، ادبیات و زبان،⁸⁴ دانشگاه الأردنية، 19/ 7/ 2016؛
نخستین همایش بین‌المللی ادبیات، زبان و ترجمه،⁸⁵ دانشگاه الطفيلة التقنية، 2/ 5/ 2017؛
همایش بین‌المللی مطالعات ادبی و نقدی تطبیقی در جوامع عربی،⁸⁶ دانشگاه الجرش، 9/ 2018؛

دومین همایش بین‌المللی ادبیات، زبان و ترجمه،⁸⁷ در دانشگاه الطفيلة التقنية، 2/ 4/ 2019

از نقدهای وارد بر ساختار ادبیات تطبیقی در اردن این است که باوجود گذشت سال‌ها از حضور این شاخه ادبی در این کشور، ادبیات تطبیقی هنوز به صورت رشته مستقل درنیامده و همچنان بخشی از رشته زبان و ادبیات عربی یا زبان و ادبیات انگلیسی محسوب می‌شود. برخلاف کشورهای همچون مصر و الجزایر که ادبیات تطبیقی به منزله رشته‌ای مستقل در دانشگاه‌های آنجا تدریس می‌شود، این شاخه ادبی در قالب سه یا شش واحد درسی در دانشگاه‌های اردن همچون الیرموک، إربد، البترا، الجرش، الطفيلة التقنية و مؤتة ارائه و تدریس می‌شود. همچنین در دانشگاه‌های این کشور مجله مخصوص پژوهش‌های تطبیقی وجود ندارد؛ بلکه پژوهش‌های تطبیقی در مجلات ادبی همچون پژوهش‌های یرموک، مجله فرهنگی⁸⁸ و مطالعات أربد چاپ می‌شود.

3. نتیجه

پیدایی و شکوفایی ادبیات تطبیقی در اردن با فرازوفرودهای فراوانی همراه بوده است. فعالیت‌های تطبیقی پژوهشگران اردنی را به سه دوره یا مرحله می‌توان تقسیم کرد: نخست پژوهش‌های تطبیقی با محوریت آثار سنتی و دوم پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد است. پژوهش‌های این دو دوره صرفاً تطبیقی است با بررسی روابط متقابل ادبیات غرب همچون فرانسوی، آلمانی و انگلیسی و ادبیات شرق به‌طور خاص ادبیات فارسی با ادبیات عربی در پرتو مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و نادیده انگاشتن نظریه‌ها و مکتب‌های جدید همچون مکتب امریکایی و اروپای شرقی ادبیات تطبیقی. نگاه سنتی تطبیق‌گران اردنی که بیشتر بر مدار جریان اثبات‌گرایی تأثیر و تأثر تاریخی مکتب فرانسوی می‌چرخیده است، سبب انحصار و محدودیت پژوهش‌های تطبیقی اردن شده و حال آنکه مکتب امریکایی و اروپای شرقی با نحله‌های جدید پژوهشی این دو مکتب می‌تواند سبب تکثرگرایی و حضور فراگیر و پویاتر ادب عربی در ادبیات تطبیقی شود.

مرحله سوم، پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد است که از گام‌های تطبیق‌گران اردنی در پیشرفت و به‌روزرسانی ادبیات تطبیقی در این کشور محسوب می‌شود. مفاهیمی همچون پسااستعمارگرایی، امپریالیسم و پساشرق‌شناسی که اندیشمندانی همچون سعید در جهان عرب مطرح کرد، موجب ظهور اصطلاح نقد فرهنگی تطبیقی از سوی تطبیق‌گرانی همچون مناصره شد. ایدئولوژی‌ای که ادبیات تطبیقی در این دوره به خط‌مشی خود افزود، حوزه کار این رشته را از بررسی تأثیر و تأثرات آثار ادبی به موضوعات نوینی تغییر داده است که بیشتر به زمینه نقد تطبیقی مربوط می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. rapports de fait.
2. Globolation.
3. بیجمالیون بین توفیق‌الحکیم و برناردشو. این مقاله در مجله *الثقافة العربیة* قاهره در سال 1975م منتشر شد.
4. جرج برنارد شاو (George Bernard Shaw) (1856-1950م) نمایش‌نامه‌نویس و منتقد ادبی ایرلندی.



5. نتایج پژوهش مناصره نشان می‌دهد که توفیق الحکیم در به‌کارگیری بعضی از ویژگی‌های مکتب سمبولیسم، متأثر از نمایش‌نامه بیگمالیون شاو بوده است.
6. المؤثر المشترك: الشعر البلغاری، (نیکولا فابتساروف نمودجا)، والشعر الفلسطینی المعاصر.
7. فؤاد الخشن (1924-2004م) شاعر و مترجم لبنانی.
8. نیکولا واپتساروف (Nikola Vaptsarov) (1909-1942م) شاعر کمونیست بلغاری.
9. «أثر ویلیام فوکنر فی روایة نجمة لکاتب یاسین». نجمة نماد مظلومیت و فریاد ملت الجزایر در سال 1945م است (المناصره، 2005: 464).
10. «أثر ویلیام فوکنر فی روایة ما تبقی لکم لغسان کنفانی». پیام رمان غسان کنفانی این است که هر نوع سستی در راه مقاومت باعث کم‌رنگ شدن قداست سرزمین می‌شود (زینی‌وند و قبادی، 1392: 62). مقاله مذکور مناصره در سال 1984م در مجله المههد اردن، شماره پنجم، چاپ شد.
11. خشم و هیاهو از مشهورترین و اثرگذارترین رمان‌های جهان است که به سبک جریان سیال ذهن نوشته شده است (زینی‌وند و قبادی، 1392: 61).
12. ویلیام کاتبرت فاکنر (William Cuthbert Faulkner) (1897-1962م) رمان‌نویس امریکایی و برنده جایزه نوبل ادبیات.
13. فاکنر در این رمان انحطاط خانواده اشرافی و نمایندگان جنوب امریکا و ظهور خانواده نوپایی را حکایت می‌کند (ایف تادیبه، 1998: 69).
14. النقد الثقافي المقارن.
15. «النص و الآخر؛ الموشحات الأندلسیة وشعر الطروبادور».
16. تروبادور (Troubadour) شاعر و نوازنده دوره‌گرد در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی در فرانسه، اسپانیا و ایتالیا.
17. «شعراء فرس فی الأدب العربی».
18. «اللغة الفارسیة وآدابها فی البلدان العربیة».
19. الأوهام فی کتابات العرب عن الخیام.
20. عمر الخیام ورباعیاته فی آثار الدارسین العرب.
21. «جلال‌الدین الرومی فی آثار الدارسین العرب».
22. الترجمات العربیة لرباعیات الخیام.
23. فرانسیس اسکات کی فیتزجرالد (Francis Scott Key Fitzgerald) (1896-1940م) رمان‌نویس امریکایی.

24. مصطفی وهبی التل (1899-1949م) ملقب به عرار و معروف‌ترین شاعر اردنی است. اشعار وی دارای مضامین مبارزه با ظلم و مقابله‌جویی با استعمار است.
25. جمیل صدقی الزهاوی (1863-1936م) شاعر کرد و معاصر عراقی.
26. احمد زکی ابوشادی (1892-1955م) پزشک، زبان‌شناس، ناشر و شاعر مصری.
27. احسان عباس (1920-2003م) نویسنده و ناقد فلسطینی.
28. محمدین احمدین رشد اندلسی (1126-1198م) فیلسوف نامدار عربی زاده اندلس.
29. ابوریحان محمدین احمد بیرونی (352-427ق) دانشمند، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، مؤرخ و انسان‌شناس ایرانی.
30. «الأثر العربي في غنائات الحب الألمانية».
31. ما بعد البیوتویات.
32. هلموت بتیگر (Helmut Bottiger) نویسنده آلمانی.
33. الإخوة السود.
34. هانس بندر (Hans Bender) (1919م -) داستان‌نویس آلمانی.
35. یومیات.
36. فرانتس کافکا (Franz Kafka) (1883-1924م) نویسنده شهیر آلمانی.
37. رسالة الغفران.
38. نظریة الحب عند الشعراء التروبادور وأثرها في دراسة شعر الغزل الأموي.
39. نظریة النظم الشفوي وتطبيقاتها على الشعر الجاهلي: تطبيق جيمس مونرو نموذجاً.
40. دوائر المقارنة؛ دراسات نقدية في العلاقة بين الذات والآخر.
41. «ازرا باوند وحركة التجديد في الشعر الحديث».
42. «كيف ضل الشعر العربي الحديث طريقه؟».
43. *The Modern Arabic Short Story: Shahrazad Returns*. Macmillan Press: London (1989).
44. البیوت وأثره فی الشعر العربي المعاصر.
45. "Tayeb Salih and Conrad: Comparative Literature Studies", University of Illinois (1985).
46. "The Arabian Nights in English Literature (Book Review)", *The Yearbook of English Studies*, Vol. 22.
47. أبحاث بیرموک.
48. اربد الدراسات.



49. فنون.
50. بنية القصيدة القصيرة في شعر أدونيس.
51. لغة الشعر العربي المعاصر.
52. الفكر البروميثي والشعر العربي الحديث.
53. الأورفية والشعر العربي المعاصر.
54. اتحاد الكتاب العرب.
55. القصة القصيرة في الأردن وبحوث أخرى.
56. في القصة والرواية الفلسطينية.
57. فخري قعوار دراسة في فنه القصصي.
58. محمد القيسي الشاعر والنص.
59. الشعر المعاصر في الأردن.
60. محمد القيسي (1944-2003م)؛ شاعر و نویسنده فلسطینی است (خلیل، ۱۹۹۸: ۱۸).
61. تراوی شاعر بیانگر حال و روز اسفناک ساکنان حیفا و روایتگر رنج و عذاب اشغال فلسطین است (ملاابراهیمی و پروین، ۱۳۹۶: ۲۵۳).
62. سمبل سرگردانی و آوارگی و رمز مسافر دور از وطن است (همان، ۲۵۴).
63. «تجلیات الشعر الفارسي في آثار الجاهري: دراسة تحليلية مقارنة».
64. «الترجمة والمثاقفة: قراءات في ثقافة اللغة الفارسية».
65. الإستشراق (Orientalism).
66. Edward Said.
67. المثاقفة والنقد المقارن.
68. النقد الثقافي المقارن، منظور جدلي تفكيكي.
69. ژان ماری کاره (Jean Marie Carré) (1887-1958م) استاد ماریوس فرانسوا گی یار در ادبیات تطبیقی (الخطیب، 1999: 102).
70. المؤثرات الأجنبية في الشعر العربي المعاصر.
71. یانیس ریتسوس (1909-1990م) شاعر نوگرای معاصر یونانی.
72. أثر ریتسوس في الشعر العربي المعاصر.
73. دفاعاً عن ادوارد سعید.
74. إدوارد سعید؛ دراسة وترجمات.
75. النقد والأیدیولوجیة.

76. باریس فی الأدب العربي الحديث؛ دراسة في إشكالية العلاقة بين المركز والأطراف.
77. إدوارد سعید: رواية للأجيال.
78. إدوارد سعید: مقالات وحوارات.
79. إدوارد سعید: أسفار في عالم الثقافة.
80. ل.م. فورستر و سياسة الأميرالية.
81. ادوارد مورگان فورستر (Edward Morgan Forster) (1879-1970م) رمان‌نویس و منتقد ادبی و اجتماعی انگلستان.
82. ر.ک: مقالة «نقد فرهنگی تطبیقی از دیدگاه عزالدین مناصره» (1397) از زینی‌وند و نادری.
83. المؤتمر الدولي الخامس التعددية الثقافية في اللغة والأدب.
84. مؤتمر البلاغة بين النقد والأدب واللغة.
85. المؤتمر الدولي الأول؛ الأدب، اللغة والترجمة.
86. المؤتمر الدولي الدراسات الأدبية والنقدية المقارنة في الوطن العربي.
87. المؤتمر الدولي الثاني؛ الأدب، اللغة والترجمة.
88. المجلة الثقافية.

منابع

- اصطفی، عبدالنبي (2007). *العرب والأدب المقارن*. دمشق: المنشورات الهيئة العامة السورية للكتاب.
- اف تادیبه، جان (1998). *الرواية في القرن العشرين*. مترجم محمد خير البقاعي. قاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- پراور، زیگبرت سالمون (1391). «درآمدی به پژوهش‌های ادبی تطبیقی». ترجمه بهنام میرزابابازاده فومشی. ویژه‌نامه نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی. س 3. ش 1. صص 139-150.
- الخطیب، حسام (1999). *أفاق الأدب المقارن عربياً وعالمياً*. دمشق - سوریه: دارالفکر.
- خليل، ابراهيم (1998). *محمد القيسي الشاعر و النص*. بيروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- الزعبي، زياد (2001). «أثر عربي في غنائيات الحب الألمانية». *مجلة أبحاث اليرموك*. جامعة اليرموك. 1 / 19. صص 125-151.
- زینی‌وند، تورج و مصیب قبادی (1392). «اثرپذیری غسان کفانی و عباس معروفی در رمان‌های 'ما تبقي لكم' و 'سمنونی مردگان' از خشم و هياهو و ويليام فاكنر». *فصلنامه لسان مبین*. س 5. ش 13. صص 58-75.



- شاهين، محمد (2008). *ا.م. فورستر وسياسة الأمبريالية*. مترجم محمد غصفور. القاهرة: المركز القومي للترجمة.
- الشيخ، خليل (1998). *باريس في الأدب العربي الحديث؛ دراسة في إشكالية العلاقة بين المركز والأطراف*. بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- عباس، احسان (1993). *ملاحم يونانية في الأدب العربي*. ط2. بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- فخري، صالح (2009). *إدوارد سعيد؛ دراسة وترجمات*. بيروت: الدار العربية للعلوم.
- گيار، ماريوس فرانسوا (1956). *الأدب المقارن*. مترجم محمد غلاب. قاهره: لجنة البيان العربي.
- ملابراهيمي، عزت و حشمت پروين (1396). «كاربرد اسطوره در سروده‌های محمد القيسي». *فصلنامه ادبيات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س 13. ش 49. صص 235-264.
- المناصره، عز الدين (1988). *المثاقفة والنقد المقارن*. عمان - اردن: دار الكرمل.
- _____ (2005). *النقد الثقافي المقارن؛ منظور جدلي تفكيكي*. عمان - اردن: دارمجدلاوي.
- نادري، اسماعيل (1393). «الأديب الأردني يوسف حسين بكار ودوره في إرساء أواصر التعاون الأدبي المثمر بين العربية والفارسية». *إضاءات نقدية (فصلية محكمة)*. السنة الرابعة. العدد الثالث عشر. صص 85-102.